

وظایف حکومت اسلامی در زمینه ای آموزش و تربیت جنسی

سمیع الله حق جو^۱، محمود ویسی^۲، مهدی رهبر^۳

^۱دانشجو رشته فقه مقارن و حقوق عمومی

^۲استاد راهنما

^۳استاد مشاور

نویسنده مسئول:

سمیع الله حق جو

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۱۶۳-۱۷۲

چکیده

آموزش و تربیت جنسی از راهکارهای ارتقای سلامت جنسی است و برای تحقق کامل سلامت جنسی در هر جامعه، باید هریک از حوزه های گوناگون فرهنگی، آموزشی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و بهداشتی در اقدامی هماهنگ و مشترک، وظایف و مسئولیت هایی را عهده دار شوند و برای تحقق آنها بکوشند. در این مقاله وظایف حکومت اسلامی در زمینه ی آموزش و تربیت جنسی بررسی و مهم ترین اقداماتی که باید انجام شود. به این شرح بیان شده است: تسهیل شرایط ازدواج، تحکیم بنیان خانواده، جلوگیری از تحریکات جنسی، سخت گیری شدید در برابر ناهنجاری های جنسی، گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، ترویج برنامه های خویشتن داری جنسی، آگاهی بخشی به والدین در زمینه ی آموزش و تربیت جنسی فرزندان، ارتقای سطح آگاهی همسران و آموزش و تربیت جنسی فرزندان در مدارس و رسانه ها. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای تهیه شده در صدد ارائه وظایف حکومت اسلامی در زمینه آموزش و تربیت جنسی افراد جامعه هستیم. یافته این تحقیق حاکی از آنست که در جهت سلامت خانواده و جامعه اسلامی برحکومت لازم است که به نحو مناسب و با شیوه های موثر و به موقع به آموزش و تربیت جنسی افراد جامعه از طریق آموزش و پرورش و رسانه اقدام نماید.

کلید واژه: وظایف حکومت اسلامی، آموزش جنسی، تربیت جنسی، انحرافات جنسی.

مقدمه

در رابطه با مسائل جنسی، به همراه باز بودن رابطه ها و سایتهای مختلف و همچنین رسانه های جمعی، وجود نظام تربیتی که انسان ها را به طرف خود کنترلی سوق دهد مهم است. نگاه درست و واقع بینانه به طرف غریزه جنسی و ارضا، راهنمای و جهت دهی آن عاملی در جهت تکمیل، تکامل و سعادت شخص و راهکاری برای اصلاح، ارتقای معنوی، آرامش و آسایش جامعه ی بشری است. اما برخورد ناصواب و رفتار نامطلوب با آن و پیمودن مسیر افراط و آزادی جنسی و یا مسیر تفریط و سرکوب، بدون تردید آسیب زاست و آسایش و آرامش افراد، خانواده ها و جامعه را تباہ و سلامت جسم و جان و سعادت و کمال انسان را از بین می برد و جامعه ی بشری را با چالش های زیاد روبرو می سازد. اهداف آموزش سلامت جنسی نیز به طور کلی جدای از اهداف تربیت به معنای عام نیست هدف آموزش در اسلام رشد متوازن شخصیت کامل انسان به واسطه ی آموزش ابعاد معنوی، عقلانی، منطقی و احساسات است. زیر بنای سلامت جنسی جامعه، از طریق خانواده امکان پذیر است و دین اسلام رهنمودهای لازم در این مورد را نیز مطرح کرده است، چراکه دین اسلام ارزش خاصی را برای خانواده به عنوان کوچک ترین بخش جامعه اما مهم ترین آن در نظر دارد. آموزش جنسی دارای بعدی ربانی، انسانی و مستمر واقع گرایانه ای می باشد و باید به صورت گام به گام آموزش داده شود.

با مروری در تاریخ و سیری در تحولات حکومتی مشاهده می شود که چگونه مردمان در زیر سایه حکومتی صالح، به سلاح گرایش یافته اند و چگونه در زیر سایه حکومتی فاسد میل به فساد افزون شده است، نقش سیاستهای حاکم، بر «تربیت»، نقشی آشکار است. به بیان حضرت علی (علیه السلام) با تغییر قدرت و حکومت، زمانه و همه چیز تغییر می یابد إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ «هرگاه (اندیشه و کردار) سلطان تغییر کند (اوضاع و احوال) زمانه تغییر می کند».

مفهوم آموزش جنسی

مسئله ای که لازم است به آن پرداخته شود، «آموزش جنسی و تفاوت آن با «تربیت جنسی» و همچنین نقش آن در تربیت جنسی است. آموزش جنسی در یک نگاه کلی، یعنی: «آموزش در تمام جنبه های جنسی و تمایلات جنسی از جمله: جنبه های فیزیولوژیکی تولید مثل، عملکردی، هیجانی و بین فردی» و به طور خاص یعنی: «آموزش محدود به زمینه های فیزیولوژیک سکس و تولید مثل» (گنجی، ۱۳۴۱: ۴۰۵). همچنین در تعریف آموزش جنسی، گفته شده که عبارت است از: «ارائه هر نوع دانش و آگاهی علمی و نظری، به شخصی که به خاطر جنسیت خاص متناسب با سن و به اقتضای مرحله های رشدی خود، جهت تأمین سلامت روانی، جسمی و اجتماعی و رفع نیاز جنسی و تعالی خویشتن و بقای نسل، بدان نیازمند است» (عباسی، ۱۳۹۶: ۶۳).

در تعریف دیگر، آموزش جنسی، به مفهوم تربیت جنسی دانسته شده که شامل: آموزش رفتارها و مسائل توالد و تناسل، آماده سازی فرد برای فهمیدن و کنترل تحریکات و رفتارهای جنسی خود، آموزش اصول و مسائل فردی و گروهی مربوط به دو جنس مرد و زن است. در تعریف نسبتاً کامل تری آمده است: «منظور از آموزش جنسی، ارائه اطلاعات کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن، نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی های معقول و جلوگیری از انحرافات است».

بر این اساس، آموزش جنسی، باید هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و با هدف پرورش نسل سالم و جامعه صالح انجام شود. صلاح و فساد هر جامعه، بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آنها با یکدیگر و از جمله روابط جنسی، شکل میگیرد. اگر همه یا بیشتر افراد جامعه، سالم باشند و روابط آنها با یکدیگر، با ارزش ها و هنجارهای دینی، منطبق باشد، آن جامعه، جامعه ای سالم است. آموزش مسائل جنسی، به صورت صحیح و کامل در هر دوره و فراگیری ارزش ها و هنجارهای دینی و عملکردهای افراد در هر مقطع سنی، افراد را به سوی صلاح و پرهیز از فساد می کشاند و سلامت روان را برای آنان به دنبال دارد و در نتیجه، نسل جامعه، سالم پرورش می یابد و جامعه، سالم می شود (شرفی، ۱۳۷۵: ۲۲۳).

مفهوم تربیت جنسی

تعریف های فراوانی برای تربیت جنسی، مطرح شده است از جمله: «فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی، به گونه ای که ضمن استفاده لازم از این غریزه، از انحراف و لغزش های جنسی نیز پیشگیری شود». و یا طبق تعریف دیگری، «مقصود تربیت جنسی، این است که کودک را به گونه

ای بیروارنیم که هنگامی که به سن بلوغ رسید. حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لا ابالیگری بیرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی، خلق و خوی او باشد و در وادی شهوت، سرگردان نشود» (بهشتی، ۱۳۷۲: ۲۴).

بنابر این، تربیت جنسی، از آغاز کودکی شروع می شود و تا سن جوانی و میانسالی، ادامه پیدا می کند.

حافظ ثابت، در تعریف تربیت جنسی می نویسد: «منظور ما از تربیت جنسی، این است که زمینه ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعداد های شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید» (حافظ، ۱۳۸۱: ۲۱).

برخی چنین تعریف کرده اند: تربیت جنسی، عبارت است از این که «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدر دان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد؛ به گونه ای توانمند شود که عواطف و فعالیت های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد» (فقیهی، ۱۳۹۰: ۲۰).

و نتیجه اینکه، تربیت جنسی صرف انتقال اطلاعات در ساحت مسائل جنسی نیست و این خود یکی از فصل های تمایز تربیت جنسی در اسلام با دیگر مکاتب است. در اسلام محور تربیت جنسی، اخلاق جنسی است. بنابر این، تربیت جنسی عبارت است از: مجموعه آموزش ها و ایجاد موقعیت ها و زمینه سازی هایی که فرد را با هدایت و تعدیل گزینه جنسی آشنا می کند و با فراهم کردن زمینه های رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی، او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می دارد و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی اش را رقم می زند.

وظایف حکومت اسلامی

حکومت اسلامی مسئولیت عدالت و اخلاق و فراهم کردن زمینه های زیست اسلامی را بر عهده دارد. در جامعه اسلامی، مردم بخشی از اختیارات و توانایی خویش را از طریق انتخاب متولیان صالح، به حکومت منتقل کرده اند و با تشکیل قوای مقننه و قضایه و مجریه، راهکار تحقق جامعه عاری از انحراف های اخلاقی و جنسی را مطالبه می کند.

بسیاری از انحراف های جنسی، به سبب نبود امکان تأمین مشروع و مناسب نیازهای جنسی است. مسئولیت حکومت اسلامی، ساختار سازی مناسب به منظور اهتمام به ازدواج بهنگام، آسان و پایدار است. مخاطب این آیه کریمه بی تردید جامعه اسلامی است که در چهره، حاکمیت نظام اسلامی متبلور است: (و مردان و زنان بی همسر را و نیز غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر تهیدست هستند، خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می کند).^۱

متأسفانه امروزه، به جای آسان سازی ازدواج، با رشد تجملات و سنت های بی ریشه، مراسم ازدواج به سدی در برابر تشکیل خانواده مبدل شده است.

از سوی دیگر، سیل بنیان کن امپراتوری رسانه های غربی با هدف های غیر اخلاقی و به منظور با ورزدایی از مبانی دینی و با استفاده از حربه سکس، به بیماران اخلاق و فرهنگ جامعه پرداخته است. فناوری های مجازی و فضای اینترنتی سایتها و شبکه های جنسی، پیوسته به تخریب نهاد خانواده و تحریک و تهییج جنسی جا معه دامن می زند و تمام حریم های دینی و اجتماعی را مورد شیخون ظالمانه خود قرار می دهند. باندهای سازماندهی شده فساد در شهرها به تشکیل گروه ها و محافل می پردازند و ابتذال و بی بند و باری را رواج میدهند.

وظیفه نظام اسلامی سالم سازی جامعه و جلوگیری از تشدید روابط غیر مشروع جنسی است. مقابله با امپراتوری رسانه ای غرب، چه در بخش سخت افزاری و چه در بخش نرم افزاری، و نیز برخورد قاطع با باندهای سازماندهی شده فساد، تکلیف روشن حکومت اسلامی است و مسامحه در آن، پیامدهای سخت و عواقب شکننده ای را برای جامعه در پی خواهد داشت.

شدت این برخورد را می توان در این آیه از سوره مبارکه نور مشاهده کرد: (به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در اجرای دین خدا درباره آن دو نفر، دلسوزی و مهربانی بگیرد و باید گروهی از مؤمنان شاهد اجرای حکم آن دو نفر باشند...)^۲.

۱- وَاتَّخِذُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (النور: ۳۲).

۲- الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... (نور: ۲).

انحراف های جنسی به پدیده شوم طلاق منجر می شود و حاصل آن، سرگردانی بچه های بی سرپرست و خیابانی است که با انواع عقده ها و محرومیت های اجتماعی روبه رو شده و به طور طبیعی تا بزرگسالی هر نوع جنایت را تجربه می کنند. بزهکاری ها، اعتیاد و تهدیدهای اجتماعی گوناگون، از دیگر تبعات شیوع انحراف جنسی است. نزاعها، درگیری ها و قتل هایی که ریشه در انحراف های جنسی دارند، به اندازه های زیاد است که اگر کسی بخواهد آن ها را تنها از روزنامه ها جمع آوری کند، افزون بر هزاران نمونه و بیش از چندین جلد کتاب می شود. این افراد اگر مسیر بن بست بی بندوباری را ادامه دهند، به ناچار از کانون خانواده و جامعه رانده می شوند و بسیاری از آنان برای رهایی از ناراحتی های فکری و عصبی به انواع قرص ها و داروهای آرام بخش و روان گردان و پس از مدتی به مواد مخدر روی می آورند. همه این ها بستری می شود تا فرد با گروه ها و جریان های فاسد آشنا شود و در حاشیه شهرها باندهای فحشا، قچاق و ضد امنیت ملی شکل بگیرد.

انحراف های جنسی در بعد سیاسی نیز زیانهای فراوانی را متوجه کشور می کند، زیرا گسترش این انحراف ها، سرمایه های مولد و پویای کشور را در عرصه اقتصاد و حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی به نیروهایی مفلوک، بی هویت و بحران آفرین تبدیل می کند. «مارتین انیدیک»، نظریه پرداز آمریکایی، می گوید: «پروژه فعلی ما این است که حجاب را از زنان ایران بگیریم». نتانیاهو، از سران رژیم صهیونیستی، نیز از امریکا درخواست کرد حکومت ایران را از طریق بی بندوباری تغییر دهد. وی ترویج بندوباری، سبک زندگی مادی و توسعه مسائل جنسی را عاملی دانست که پخش آن ها از طریق شبکه های ماهواره ای، می تواند نقش بسیار تعیین کننده ای در تغییر حکومت ایران داشته باشد (خرمی مشگانی، ۱۳۸۲: ۷۶).

مستر همفر، جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی، در خاطرات خود می گوید: «تداوم سلطه غرب بر ممالک اسلامی، با ترویج شراب خواری، قمار، فساد و شهوت رانی و ترغیب به زیر پا نهادن دستورات اسلام میسر است. در مساله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند... پس از آن که حجاب با تبلیغات، وسیع از میان رفت، وظیفه ماموران ما آن است که جوانان را به روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند».

مقام معظم رهبری در این باره تأکید دارند که «توطئه های سازمان یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، مواد مخدر و سرگرمی های گوناگون جنسی، یک توطئه بسیار خطرناک است! مبارزه با آن در درجه اول بر عهده خود آحاد ملت، به خصوص جوانهاست... و مسئولان هم بایستی با جد و جهد در این راه تلاش کنند که، جهاد بزرگی است».

نهادهای مرتبط و مسئولان حکومتی، باید با وضع قوانین مقتضی و اجرای شایسته آنها و نظارت و مراقبت بر توطئه های انحراف آور جنسی و اقدام های لازم، مبارزه ای قاطع را سازماندهی کنند. البته نقش ساختار سازی های لازم و فرهنگ سازی های مناسب برای رفتارهای پیشگیرانه و ایجابی، بسیار مهم و زیربنایی است (مرویان حسینی، ۱۳۹۵: ۲۳۴).

نظارت اجتماعی

نهادینه شدن نظارت اجتماعی و احساس مسئولیت عمومی و ترویج و تبلیغ روحیه امر به معروف و نهی از منکر، بسیار تعیین کننده است. امر به معروف و نهی از منکر نه منحصر به ارشاد و نصیحت است، نه ابراز کراهت و انزجار، نه توبیخ و تهدید و نه برخورد قهرآمیز؛ بلکه گستره مفهومی و مصداقی آن تمام این امور را به حسب یک نظام معقول و هماهنگ در بر می گیرد.

جامعه و نهادهای اجتماعی در حفظ سلامت جنسی فرد و جامعه نقش پر رنگی دارند. تأکید قرآن کریم بر ضرورت نهی از منکر، نشان از اهمیت مسئولیت اجتماعی در شکل گیری انحراف ها دارد: (باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و از آن ها همان رستگاریانند).^۱

اگر جامعه نسبت به حفظ هنجارهای دینی و انسانی حساس نباشد و با مراقبت و ابزارهای تشویقی و اندازی، اعمال کنترل و مدیریت نکند، برخی از انحراف های جنسی مثل بدحجابی، همجنس گرایی، زنا، ارتباط های غیر شرعی، پدیده زشت های خیابانی، خانه های مجردي، محافل عیش و عشرت ضد اخلاقی و ... در بدو ورود به جامعه با نگاه های تند و برخوردهای اندک روبه رو می شود، ولی به تدریج به خرده فرهنگ تبدیل شده و جای ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را می گیرد و پس از سال ها هرگز قابل زدوده شدن نخواهد بود. پیامبر عزیز: می فرماید: «چگونه خواهید بود وقتی که زنان شما فاسد و جوانان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند؟» گفته شد: یا رسول الله! آیا این گونه می

^۱ - وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: ۱۰۴).

شود؟ فرمود: «بله و بدتر از این! چگونه خواهید بود هنگامی که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟» گفته شد: یا رسول الله! آیا این گونه می شود؟ حضرت فرمود: «بله و بدتر از این چگونه خواهید بود هنگامی که زیبایی (معروف) را زشت (منکر) و زشت را زیبا بینید. گفتنی است، در بین ارکان اجتماع، دو رکن «حاکمان» و «اندیشمندان»، جایگاه حساس تری در شکل گیری ارزش ها و رفتارهای اجتماعی دارند و مسئولیت آنان در روند نظارت اجتماعی بیشتر است. باید اعتراف کرد که متأسفانه جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و کارگشایی آن در مشکلات اجتماعی، همچنان ناشناخته مانده و از ظرفیت مؤثر آن به درستی بهره گیری نشده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷/ ۹۱). پس به نظر می رسد که جلوگیری از فساد و امور خلاف مصالح عمومی از جمله وظایف حاکم و دولت اسلامی بوده و ریشه های فساد و بد اخلاقی را ابتدا توسط ابزار و برنامه های سنجیده شده پی تربیتی و آگاهی مردم انجام داده و در نهایت با نیرو و قدرت خود جامعه را به طرف ایمان، اخلاق و مصالح مردم سوق میدهد.

اقامه معروف و دفع منکر

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که برای انجام بعضی از مراتب آن نیاز به ضرب و تأدیب است، در بین فقها دو نظریه وجود دارد که برخی از آنها اجازه حاکم شرع را برای ضرب و تأدیب لازم می دانند و برخی دیگر لازم نمی دانند. و بی شک هیچ یک از فقها اختیار حاکم را در این زمینه انکار ننموده اند. (احمدون، ۱۳۸۷: ۳۲۷).

امر به معروف و نهی از منکر مشروط به اذن ولی فقیه است؛ زیرا زمام اجرایی شریعت اسلامی در دست ولی فقیه است و غیر او در انجام آن مجاز نمی باشد. بنابراین، با فرض تحقق حکومت اسلامی، علاوه بر اینکه دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف شرعی آحاد جامعه است؛ وظیفه حکومتی نیز می باشد. حکومت اسلامی نمی تواند از این وظیفه شرعی شانه خالی کند. کسانی نیز که از سویی، منکر حکومتی بودن این دو فریضه اند و از سوی دیگر، بر فردی و اجتماعی کردن احکام شرعی اصرار می ورزند؛ نتیجه این باورشان چیزی غیر از تعطیلی بخشی از احکام شرعی نخواهد بود. زیرا در آن بخش از احکام، امر به معروف و نهی از منکر، غیر از فرد تارک معروف و عامل منکر، وجود ندارد. او نیز اگر معتقد به این دو فریضه باشد که دیگر تارک معروف و عامل منکر نمی شد. پس، با چنین برداشتی، بخش از احکام شرعی را به تعطیلی کشانده است. به هر حال، چه این دو فرضیه شرعی را اجتماعی و چه حکومتی یا ترکیبی از این دو دیدگاه بدانیم، در ماهیت کار تفاوتی ندارد. امر به معروف و نهی از منکر، او، و بالذات ماهیت ارشادی و دعوت الی المطلوب ندارد بلکه ایجاد و اجرای مطلوب شرعی است. از این رو، شباهت زیادی به احکام حکومتی دارند. در امر است. امر به معروف و نهی از منکر نیز اگر نگوییم وظیفه اختصاصی وظیفه عام حکومت اسلامی است. پس حکومت می تواند زنان مسلمان را امر به حجاب اسلامی، به نام معروف و شرعی و نهی از بدحجابی و بی حجابی، به نام منکر بنماید. البته چنین اقدامی از سوی حکومت اسلامی (امر به معروف حجاب و نهی از منکر بی حجابی) بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر، نوعی عدول از اولی بودن احکام حکومتی است.

حکومت از احکام اولیه است و بر مبنای هیچ اصل دیگری عمل نمی کند. چنان که نماز یا روزه از احکام اولیه است و بر مبنای هیچ اصل اولیه دیگری تشریع نشده است. حکومت اسلامی به همان عنوان حکومتی امر به حجاب و نهی از بی حجابی می کند. به همین دلیل است که می گوییم حکومت اسلامی نمی تواند نسبت به این امور شانه خالی کند.

جامعه ای که حکومت دینی را بر حکومت غیردینی و سکولار ترجیح داده است. انتظاری جز این ندارد که حکومت منتخب بر مبنای شریعت الهی و عرف متشرعه رفتار نماید. دینی بودن حکومت را به وصف می خواهد و نه به اسم.

بنابراین، چنین برداشت می شود که حاکم اسلامی هرگز نمی تواند نسبت به واجبات و محرمات الهی از جمله وجوب رعایت پوشش اسلامی، بی تفاوت باشد. پوشش اسلامی بر هر مرد و زن مسلمان واجب و ترک آن حرام است. بر این اساس، حاکم اسلامی می تواند جامعه مسلمان را به رعایت حجاب اسلامی دعوت و الزام نماید.

در صورت تغییر منکر، تنها حکومت اسلامی است که جلوگیری با دست را میتواند انجام دهد یعنی مدافع با دستانش امر منکر را از میان ببرد، مثلاً آلات لهو و لعب را بشکند، خمر را به زمین بریزد و لباس حریر را از سر و بدن بزه کار برکند و غاصب را از خانه ی غصبی بیرون کند و مواعینی را که در معابر عمومی گذاشته شده و باعث راه پندان یا تنگی راه شده است از میان بردارد.

این عمل در گناهای متصور است که به صورت طبیعی تغییرپذیر باشند و در گناهان گفتاری و قلبی که به طور فیزیکی تغییرپذیر نیستند قابل تصور نیست.

تغییر منکر با استفاده از دست، زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که خود بزه کار به آن مبادرت نورزد، مثلاً حق ندارد غاصب را کشتن کشتن از خانه ی غصبی بیرون کند تا وقتی که غاصب با پای خود از آنجا بیرون رود، و حق ندارد خمر را بر زمین بریزد تا وقتی که شارب خمر، خود آن را نابود سازد. هم چنین در استفاده از وسیله ی مزبور نباید از حد نیاز تجاوز شود، مدافع حق ندارد برای بیرون کردن غاصب، ریش یا پای او را بگیرد؛ تا وقتی که می تواند دست او را بگیرد و بیرون کند و حق ندارد ادوات لهو و لعب را بسوزاند تا وقتی که می تواند با تخریب، آنها را از کارایی ببیند. تخریب هم به اندازه ای باید صورت پذیرد که قیمت تعمیر آن با قیمت اصل جنس برابر باشد و هم چنین نمی تواند ظروف محتوی خمر را بشکند تا وقتی که می تواند بدون استفاده از تخریب، محتوی آن را خمر از بین ببرد.

از آنچه گذشت این نتیجه به دست می آید که از مراد از تغییر منکر، مقصود دفع آن است و نه مجازات فاعل آن و تنبه دیگران، تنبه "زجر" برای آینده و مجازات برای گذشته و دفاع از بزه ولی و موجود است. آحاد مردم حق دارند از منکر جلوگیری کنند و بیشتر از آن یا مجازات جرم سابق است و یا تنبه دیگران در آتیه است و این هر دو از وظایف حکومت است نه از طایف شهروندان آن (عوده، ۱۳۹۴: ۴۹۲).

وظیفه حکومت در آموزش و تربیت جنسی فرزندان

۱- برنامه ریزی دقیق ستادهای تربیتی مدارس در توجیه و تفهیم نوجوانان نسبت به مسائل و مقتضیات دوران بلوغ؛

۲- ظرافت و دقت در آموزش احکام شرعی و عبادی دوره تکلیف نوجوانان توسط روحانیون، مربیان پرورشی و معلمان دینی و تشویق ایشان به انجام فرایض دینی؛

۳- توسعه ورزش و تشویق نوجوانان به فعالیت های ورزشی در کنار سالم سازی محیط های ورزشی؛

۴- کنترل فضاهای مجازی که مروج بی بند و باری های اخلاقی و جنسی هستند و در برابر، اطلاع رسانی رسانه ها از روابط و رفتارهای نامناسب جنسی و عواقب شوم آن (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۹۸).

آموزش و تحصیل کودکان از سنین مشخص اجباری است و بر این اساس، بخش درخور توجهی از مسئولیت تربیتی والدین به مدارس منتقل شده است. در این صورت، لازم است متون آموزشی مدارس به نحوی تدوین گردد که کودکان همراه با سوادآموزی، آگاهی های صحیح را درباره سلامت جسمی و روحی و نیز حیات جنسی خود بیاموزند. سند نقشه مهندسی کشور با اشاره به این مطلب بیان می کند: «درج عناوین و سرفصل های مربوط به آماده سازی دختران و پسران از نظر سلامت جسمی و روحی و روانی برای عهده داری مسئولیت اداره خانواده و پرورش فرزندان در متون آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی توسط وزارت آموزش و پرورش» (هدایت نیا، ۱۳۹۹: ۲۷۴).

پس باتوجه به آنچه که بیان شد آموزش و تربیت جنسی فرزندان به طور مستقیم بر عهده والدین است؛ زیرا کودک در خانواده و در آغوش والدین، مراحل رشد و نمو را طی می کند. با این حال، از نقش دولت در تربیت کودکان نباید غافل ماند. چون مدارس و مراکز تعلیمی نقش مهمی را در عرصه آموزش دارد که دار آن را، حکومت به عهده دارد.

توان مند سازی خانواده از طریق رسانه

در نظام جمهوری اسلامی به آموزش جامعه و بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه ی زمینه ها توجه خاصی شده و بر همین اساس در اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است، برای دست یابی به اهداف یاد شده در اصل دوم، همه ی امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه ی مظاهر فساد و تباهی ؛

۲- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه ی زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر».

در همین راستا، در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی به ارائه ی خدمات آموزشی و مشاوره ای

بر مبنای فرهنگ و ارزشهای اسلامی - ایرانی با هدف تحکیم بنیان و پایداری خانواده توجه ویژه شده و از جمله در بند چهارم «سیاست های کلی جمعیت» در این زمینه چنین مقرر شده است:

«تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش های عمومی درباره ی اصالت کانون خانواده و فرزند پروری و با تأکید بر آموزش مهارت های زندگی و ارتباطی و ارائه ی خدمات مشاوره ای بر مبنای فرهنگ و ارزشهای اسلامی - ایرانی و توسعه و تقویت تامین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری» (مصوب، ۱۳۹۳/۲/۳۰).

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است که نقش مهم و به سزایی در ایجاد هویت افراد ایفا کرده و کارکردهای مهمی از جمله: تعلیم و تربیت، برطرف کردن نیاز طبیعی انسان و ایجاد آرامش در افراد را بر عهده دارد. با رشد روز افزون رسانه های مدرن در جامعه، رسانه ها خود را به عنوان

رقیبی جدی و سرسخت برای خانواده ها معرفی کردند و آنها را تحت تأثیر قرار داده و به مرور زمان کارکردهای سنتی خانواده را با مشکلات اساسی روبه رو ساختند. تلویزیون مهم ترین رسانه است که تأثیر فراوانی در تغییرات خانواده ها داشته است. به اعتقاد «گر بنر» تلویزیون یک عضو اصلی خانواده شده است؛ کسی که بیشتر اوقات بیشتری داستان ها را می گوید.

مک لوهان، معتقد است تلویزیون صرفاً بیان و انکشاف خاص واقعیت نیست، بلکه فضای جدیدی درست می کند. تلویزیون زندگی انسان را باز آفرینی می کند و در این بازآفرینی گویا تقلیدی از واقعیت دارد. اما در حقیقت، واقعیت مجازی جدیدی می آفریند که با واقعیت حقیقی تفاوت و تناسب دارد.

امروزه تماشا کردن تلویزیون جایگزین فعالیت های دیگری شده است که خانواده ها باید بیشتر به آن اهمیت بدهند؛ از جمله: تفریح رفتن، مسافرت، مطالعه و ورزش کردن در یک آزمایش طبیعی، فعالیت های روزانه بزرگسالان و کودکان را در سه شهر کانادا بررسی کردند: یک شهر تلویزیون نداشت (شهر نوتل)، یک شهر فقط یک کانال تلویزیونی داشت (شهر یونیتل) و شهر دیگر چهار کانال تلویزیونی داشت (شهر مالتیتل) قبل از ورود تلویزیون به نوتل و مجدداً چهار سال بعد از آن، داده ها جمع آوری شد. بر اساس نتایج، کودکان و نوجوانان در نوتل، در مقایسه با نوجوانان دو شهر دیگر، به طور معناداری بیشتر به فعالیت های اجتماعی و ورزشی می پرداختند، ولی هنگامی که شهر نوتل دارای تلویزیون شد، شرکت در این فعالیت ها به طور چشمگیری کاهش یافت (سگالن، ۱۳۷۵: ۳۱۹).

همچنین رسانه ها به طور مستمر بر شیوه اندیشیدن، احساس و رفتار ما اثر می گذارند. اگر مردم نمی توانند نمود خارجی این آثار را ببینند، دلیل بر عدم تأثیر رسانه ها نیست. متأسفانه بسیاری از مردم و مسئولان بیشتر آثار آشکار رسانه ها را می بینند و برای آنها برنامه ریزی می کنند، در حالی که آثار رسانه ها فقط آشکار نیست بلکه آثاری مخفی در معتقدات و باورهای مردم دارد که به مراتب خطرناک تر و پیچیده تر است. به همین جهت در ارائه سیاست ها و راهبردهای رسانه ای باید همه جوانب تأثیرات رسانه در نظر گرفته شود. مخصوصاً در عرصه خانواده که فرزندان بیشتر در معرض این آثار هستند. آثار رسانه ها اگر چه غالباً بر رفتار انسانها است، آثار عاطفی، نگرشی و شناختی نیز دارند.

اگر ارزش های حاکم بر نظام تربیت رسمی و نظام رسانه های نوشتاری و شنیداری و دیداری، همان ارزش های حاکم بر خانواده باشد، نهاد آموزش می تواند مکمل و تقویت کننده خانواده باشد؛ و گرنه، تعارض ارزش های خانواده و نهادهای تربیتی، به تضعیف موقعیت خانواده کمک خواهد کرد؛ به ویژه اگر این نهادهای تربیتی، به اقتدار دولتی و سرمایه داری پشت گرم باشند. صرف نظر از تعارض ارزش های خانواده و نهادهای تربیتی گذراندن بیشترین بخش اوقات زندگی با رسانه ها و در فضاهای آموزشی به دلیل آنکه ارتباطات خانوادگی و گفت و گو میان اعضا را کاهش می دهد و نگاه فرزندان را از والدین به این نهادها بر می گرداند و مرجعیت هایی چندگانه در تربیت می آفریند می تواند تضعیف کننده جایگاه والدین باشد؛ مگر آنکه محوریت بخشیدن به مرجعیت والدین و توجه به ارزش های خانوادگی، به یکی از آموزه های تربیتی اصلی در این نهادها تبدیل شود.

در یکی دو قرن اخیر و با آشکار شدن شکاف میان ارزش های حاکم بر خانواده و ارزش های دولت های سرمایه داری و اشتراکی، اندیشه ربودن فرزندان از خانواده و سپردن آنان به دولت و نهادهای دیگر، تقویت شده است. اگر در ابتدا، مدرسه ادامه دهنده آموزش های ارائه شده در خانواده شمرده می شد، در وضعیت جدید، شکلی وارونه یافته و جایی شده که خانواده در آن ساخته می شود.

برخی نظریه پردازان نظام آموزشی، این ایده را مطرح کردند که فرزندان، ملک و دارایی دولت ها هستند و باید از سلطه خانواده رها شوند. مشکل اساسی خانواده، این بود که بر حفظ اصول ثابت اخلاقی و ارزش های معنی جمع گرایانه و کنترل مصرف، اصرار می ورزید و نظام سرمایه داری، توسعه خود را در آن می دید که خانواده سنتی، تحقیر و سپس دگرگون شود. شبیه همین موضوع، درباره نظام های اشتراکی نیز که بر حاکمیت دولتی پای می فشردند خانواده را مهم ترین سنگر مقاومت می دانستند صادق بود (تانگ، ۱۳۸۷: ۴۷).

از این رو، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، شاهد شکل گیری جریان های انتقادی از خانواده سستی هستیم. این جریان ها، گاه چن فمینیست های رادیکال، خواهان نابودی خانواده به دلیل تأکید آن بر نقش های جنسیتی و سلسله مراتب قدرت اند و گاه چون فمینیست های لیبرال، خانواده را کم ارزش می دانند و از زنان می خواهند که موقعیت های اجتماعی را به موقعیت های خانوادگی ترجیح دهند.

رسانه ها نیز در تغییر جایگاه خانواده نقش مهمی داشتند. در غرب، یکی از رسالت های آموزش های رسانه ای این بود که به گونه ای زنان را باز آموزی کنند که از ایفای نقش های زیست شناختی، احساس رضایت نکنند و ارزش های غیر خانوادگی را ارزش های برتر بدانند. «آنتونیو پینلی، در مطالعه آماری خود درباره متغیرهایی که در رفتار جمعی جدید در اروپا اثر می گذارند، نتیجه گرفته که بی ثباتی ازدواج، زندگی مشترک بدون ازدواج و تولدهای خارج از ازدواج، در جاهایی رخ می دهد که به جنبه های غیر ازدواجی کیفیت زندگی مانند استقلال اقتصادی و مناسب سیاسی زنان، ارزش زیادی داده می شود.

از این رو، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، شاهد شکل گیری جریان های انتقادی از خانواده سستی هستیم. این جریان ها، گاه چن فمینیست های رادیکال، خواهان نابودی خانواده به دلیل تاکید آن بر نقش های جنسیتی و سلسله مراتب قدرت اند و گاه چون فمینیست های لیبرال، خانواده را کم ارزش می دانند و از زنان می خواهند که موقعیت های اجتماعی را به موقعیت های خانوادگی ترجیح دهند.

رسانه ها نیز در تغییر جایگاه خانواده نقش مهمی داشتند. در غرب، یکی از رسالت های آموزش های رسانه ای این بود که به گونه ای زنان را باز آموزی کنند که از ایفای نقش های زیست شناختی، احساس رضایت نکنند و ارزش های غیر خانوادگی را ارزش های برتر بدانند. «آنتونیو پینلی، در مطالعه آماری خود درباره متغیرهایی که در رفتار جمعی جدید در اروپا اثر می گذارند، نتیجه گرفته که بی ثباتی ازدواج، زندگی مشترک بدون ازدواج و تولدهای خارج از ازدواج، در جاهایی رخ می دهد که به جنبه های غیر ازدواجی کیفیت زندگی مانند استقلال اقتصادی و مناسب سیاسی زنان، ارزش زیادی داده می شود (کاستلز، ۱۳۸۲: ۱۹۷/۲).

با توجه به گستره و تأثیرات بالای رسانه ها در تمام امور، در کشورهای مختلف مسئولان اهتمام جدی به رسانه ها و تولید فیلم دارند. بسیاری فیلم ها با سفارس مسئولان بالا رتبه کشورها جهت اهداف و برنامه های دولت ها ساخته می شود. اما متأسفانه در ایران مسئولان دولت با ظرفیت رسانه به خوبی آشنایی ندارند و از آن استفاده نمی کنند. برخی وزارت خانه ها مثل آموزش و پرورش و وزارت علوم می توانند با رسانه ها نقش مهم و اساسی در تحکیم خانواده ها ایفا کنند. به همین سبب به این راهبردها می پردازیم:

- ۱- اختصاص بودجه کافی و مناسب در ساخت فیلم ها و سریال هایی مطابق با الگوی خانواده اسلامی ایرانی.
- ۲- توسعه و کمک، برای ترویج سواد رسانه ای در مدارس و دانشگاه ها.
- ۳- برگزاری کارگاه ها و نشست های گوناگون در مراکز علمی به منظور تقویت سواد رسانه ای استادان و دانشجویان.
- ۴- آشنایی مسئولان بالا رتبه در جهت شناخت ملزومات رسانه ای.
- ۵- هماهنگ کردن وزارت ارشاد با رسانه ملی برای ساختن فیلم ها و سریال های مشترک در جهت تحکیم خانواده ها.
- ۶- هماهنگی و همکاری دولت و وزارت خانه های متعدد با تهیه کنندگان و کارگردانان برای ساختن سریال ها و فیلم ها برای تقویت بنیان های خانواده.
- ۷- ایجاد زمینه ارتباط سینماگران با حوزه علمیه قم برای به تصویر کشیدن خانواده ها بر اساس الگوی اسلامی و یافتن راه حلی جهت محدودیت های دینی در این عرصه.
- ۸- افزایش احساس مسئولیت اجتماعی در برابر تهاجم رسانه ها به ساختار خانواده اسلامی.

وظیفه مسولان در قبال آموزش مزدوجین

مسئولین مهم مملکتی در تأمین وسایل ازدواج جوانان مسئولیت مهمی دارند و لازم است در تسهیل این امر و تأمین وسایل و اسباب ازدواج جوانان بکوشند و نیز هر گامی در این راه دارای ثواب و فضیلت است که حضرت موسی بن جعفر فرمودند: «سه طایفه در سایه عرش خدا در روزی که سایه ای جز سایه عرش الهی وجود ندارد قرار می گیرند: ۱- کسی که در راه ترویج برادر دینی خود گام بردارد و اقدام کند؛ ۲- کسی که به برادر دینی خود خدمت نماید؛ ۳- کسی که در حفظ اسرار برادر دینی خود کوشش کند. و در نهایت توصیه و تأکید بر این است که در امر ازدواج قبل از هر چیز و بیش از همه چیز به ایمان و تقوا و تعهد اسلامی توجه کنند»^۱.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هنگامی که اشخاصی از جهت اخلاق و تعهد اسلامی و تدین شایستگی دارند برای خواستگاری آمدند در ازدواج و وصلت با آنها جواب منفی ندهید و به ازدواج با آنها اقدام کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی دامنگیر جامعه خواهد شد (رضای، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

۱- حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ النَّهْكَيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَسْتَقْبَلُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ زَوْجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا (الخصال: ۱/ ۴۴۱).

نتیجه گیری

برنامه ریزان آموزشی و درسی باید با نگاهی نظام مند و جامع نگر به موضوع تربیت جنسی بنگرند و با انتقال آموزه های دینی به تربیت افرادی همت گمارند که مباحث مذهبی را از همان اوان کودکی با آگاهی و آمادگی لازم پذیرا باشند. در یک چشم انداز بلند مدت با همکاری دولت، والدین، برنامه ریزان مسئولان مذهبی، نظام آموزشی، مؤسسات آموزشی، رسانه های دیداری و شنیداری و... می توان به گونه ای اطلاعات و آگاهی های دینی کودکان، نوجوانان و جوانان را بالا برد که افراد در رابطه با این امور به خودکنترلی برسند. دین و مذهب توانسته با تکیه بر آرمانهای الهی به تربیت افرادی بپردازد که در هر شرایط از انواع امتحانات سربلند بیرون آیند. یکی از مسائل مهم زمانه، مبحث مسائل جنسی است. دین اسلام در رابطه با اخلاق جنسی، بهداشت جنسی، تربیت جنسی، به طور جامع و کامل مباحث مهمی را مطرح نموده است که می تواند الگوی مناسب جهت جامعه ی اسلامی باشد.

حکومت اسلامی مسئولیت عدالت و اخلاق و فراهم کردن زمینه های زیست اسلامی را بر عهده دارد. در جامعه اسلامی، مردم بخشی از اختیارات و توانایی خویش را از طریق انتخاب متولیان صالح، به حکومت منتقل کرده اند و با تشکیل قوای مقننه وقضایه ومجریه ، راهکار تحقق جامعه عاری از انحراف های اخلاقی و جنسی را مطالبه می کند.

بسیاری از انحراف های جنسی، به سبب نبود امکان تأمین مشروع و مناسب نیازهای جنسی است.

وظیفه نظام اسلامی سالم سازی جامعه و جلوگیری از تشدید روابط غیر مشروع جنسی است. مقابله با امپراتوری رسانه ای غرب، چه در بخش سخت افزاری و چه در بخش نرم افزاری، و نیز برخورد قاطع با باندهای سازماندهی شده فساد، تکلیف روشن حکومت اسلامی است و مسامحه در آن، پیامدهای سخت و عواقب شکننده ای را برای جامعه در پی خواهد داشت.

منابع و آخذ

قرآن کریم

- ۱- احمدون، محمد طاهر، اختیارات حاکم در مدیریت جزا، تهران: دانشگاه آزادی اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۲- اسماعیلی، علی، جوان، انگیزه و رفتار جنسی، تهران: لقاالنور، ۱۳۸۲.
- ۳- بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۴- تانگ، زرماری، نقد و نظر (در آمدی جامع بر نظریه های فمینیستی)، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
- ۵- حافظ، ثابت، تربیت جنسی در اسلام، قم: موسسه آموزش امام خمینی، ۱۳۸۱.
- ۶- خرمی مشکانی، ابراهیم، چرا حجاب؟ انتشارات: مرسل، ۱۳۸۲.
- ۷- رضایی، محمد علی، جوانی، چاپ اول، ناشر: مهر امیر المومنین (علیه السلام).
- ۸- سگال، ماتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- ۹- شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوانان، تهران: تربیت، ۱۳۷۰.
- ۱۰- فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۰.
- ۱۱- فیض کاشانی، ملا محسن، الحقایق فی محاسن الاخلاق، قم: جامعه المدرسی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۲- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات (اقتصاد، جامعه و فرهنگ)، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۸۲.
- ۱۳- گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی، تهران: بعثت، ۱۳۷۲.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر محمد تقی، بحار الانوار، الجامه الاخبار، الاثمه الاطهار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
- ۱۵- مرویان حسینی، سید محمود، تربیت جنسی در اسلام: آموزها و راهکارها، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵.